

دوره هفتم، سال دوم، شماره ۴۲۴
سه شنبه ۳۰ دی ۱۳۵۹ - مطابق با
۱۳ ربیع الاول ۱۴۰۱، بها ۱۵۰ ریال

گروگانها آزاد میشوند، ولی امریکا ایران را می خواهد

مسئله «گروگانها»ی آمریکائی، سرانجام بر مبنای مصوبات مجلس شورای جمهوری اسلامی ایران و کوشش دولت و همکاری دولت جمهوری دموکراتیک خلق الجزایر حل شد و «گروگانها» آزاد میشوند. ولی خطرناک و ملامت بار خواهد بود حتی اگر یک لحظه چنین پندار نخدیر - کننده ای پیش آید که، به دنبال تحویل «گروگانها»، آمریکا دیگر چشم طمع از ایران برخواهد گرفت. گروگانها آزاد میشوند، ولی آمریکا، بعنوان دشمن اصلی انقلاب و جمهوری

اسلامی ایران باقی است. بهمانگونه که قبل از «گروگانگیری»، شکستن انقلاب ایران و براندازی جمهوری اسلامی ایران، هدف آمریکا بود کسار «جاسوسخانه» هم جز تدارک اجرای توطئه های وائسکن برای دسترسی باین هدف نبود، بعد از تحویل «گروگانها» نیز هدف آمریکاشکستن انقلاب و براندازی جمهوری اسلامی ایران است. بگفته امام خمینی، «تا ۵۰ سال دیگر» هم آمریکا همواره درصدد خواهد بود که باین

هدف دست یابد. زتن گارتز و آمدن ریگان نیز چیزی جز جابجائی دهمره برای اجرای يك اراده ساراده سرمایه انحصارگر و به ویژه مجتمع صنعتی- نظامی آمریکا، نیست و اگر تفاوتی بین آنها باشد، تفاوت بین بیر تیر خورده و بیر آدم خوار است، که هر دو برای «طمع» بیگسان خطرناک و بیگسان پر خاشخو و تجاوزگرند. ما با آمریکا در حال جنگیم و برای مدتی بقیه در صفحه ۲

بهباد نبوی: آمریکا نمیتواند وجود دولت جمهوری اسلامی ما را تحمل کند

مهندس بهباز نبوی وزیر مشاور و سخنگوی دولت عصر دیروز در يك مصاحبه مطبوعاتی با شرکت خبرنگاران داخلی و خارجی به سئوالات آنان درباره «گروگانها» و آزادی آنها پاسخ گفت. وی در این مصاحبه اعلام داشت که مصوبات مجلس شورای اسلامی در مورد «گروگانها» مورد پذیرش دولت آمریکا قرار گرفته بقیه در صفحه ۸

سر مایه داران بزرگ قیمت ها را به مرز انفجار رسانده اند!

تنها در طول ۳ ماه، در قیمت يك چراغ نفتی ۵۵۰ تومان افزوده شده است.
قیمت ارزاق عمومی، نسبت به سال گذشته، تنها ۱۳٪ درصد و نسبت به قبل از جنگ، تنها ۵۰٪ درصد افزایش یافته است.
مردم تنها دولت است که میتواند با شرکت فعال در وارد کردن، تولید، توزیع و فروش کالا، گران را مهار بکند.

قیمت ها به مرز انفجار رسیده است. گرانی پدید می آید. بهای ایزاق عمومی، در مقایسه با سال گذشته، بیش از ۲۳۰ درصد افزایش پیدا کرده است. تنها در چند ماهی که از آغاز جنگ تحمیلی می گذرد، قیمت کالاهای مورد نیاز زحمتکشسان تا ۵۰ درصد افزایش یافته.

ششماه ۴۷ درصد گران شده است. «سبزی آتش» ۲۳ درصد گرانتر از سال گذشته و ۲۵ درصد گرانتر از تابستان شده است. «ببزی تبریز» ۶۶ درصد گرانتر از یکسال گذشته و ۲۰ درصد گرانتر از ششماه اخیر است. نمک کیسه ای ۵۰ درصد گرانتر از پارسال و ۲۰ درصد گرانتر از دو ماه اخیر! گردش کوتاهی در بازار خرید نشان می دهد که سرمایه داران بزرگ چگونه از وضع جنگ استفاده کرده اند و قیمت ایزاق عمومی را، که بنی از مواد جیره بندی شده، واردات و توزیع آن را درست در اختیار دارند، هر روز بالا برده اند. برای نمونه قیمت گوشت گوسفند تازه، که در سال گذشته کیلویی ۲۰ تومان بوده، امسال به کیلویی ۴۰ تومان رسیده، یعنی ۱۰۰ درصد گرانتر از سال قبل شده است. در حالی که همین گوشت گوسفند، که ۴۰ تومان قیمت دارد، ششماه قبل کیلویی ۳۰ تومان بفروش می رسید. یعنی ۳۳ درصد گرانتر از ششماه قبل شده است. محمد چابری، کارمند راه آهن که در مغازه ای در خیابان صدق (امریه سابق) مشغول خرید است، در این مورد می گوید: «قیمت ها به طرز وحشتناکی افزایش پیدا کرده است. باور کنید که حدود دو ماه است لب به گوشت تازه نزده ایم. گوشت بیخ زده هم که قیمت آن ۱۳ تومان بود، از تابستان به این طرف ۱۲ تومان رویش کشیده اند. از این طرف حقوق کارمندان ثابت است، از طرف دیگر قیمت های متاج عمومی روز بروز بالا می رود. من خودم یا سه هزار یا صد تومان، باید هم قسط خانه بدهم و هم اینکه شکر بیخ نهر را سیر کنم.» «مرغ» نیز از افزایش قیمت جان سالم بدر نبرده است. همین شریاری، باز نشسته دولت در این مورد می گوید: بقیه در صفحه ۷

برنج صدری درجه يك، که در سال گذشته، کیلویی ۱۲ تومان قیمت داشت، هم اکنون به کیلویی ۲۳٫۵ تومان رسیده است، یعنی ۹۶ درصد گرانتر از سال گذشته. همین برنج در تابستان امسال کیلویی ۱۶ تومان بفروش می رسید. یا این حساب در عرض

باند قاسملو دزد انسان

یکی از هواداران حزب توده ایران به نام بایزید شادمانفر، در تاریخ ۱۴ دیماه ۵۹، هنگام بردن نامه «مردم» به مهلباد، در راه ارومیه به مهلباد، توسط باند قاسملو دستگیر شد و دست بسته به زندان این جنایتکاران منتقل گردید.
باند قاسملو، این فرد مبارز را به جرم پشتیبانی از جمهوری اسلامی ایران، مورد اهانت و شکنجه قرار داده اند.
ما این عمل ضدانقلابی و ضد انسانی را شدیداً محکوم می کنیم و خواستار آزادی هر چه سریعتر بایزید شادمانفر هستیم.

استقلال

(بحثی با آقای بنی صدر) صفحه ۲

گسترش توطئه های رنگارنگ ضد انقلاب، نشانه تر دیک شدن اجرای توطئه هفتم امریکاست

هموطنان انقلابی! هشیار باشیم. توطئه های ضدانقلاب را نزد توده ها فاش کنیم. یا هشیار فعالیت های ضدانقلابی را خنثی کنیم. مانع درگیری و تشنج شویم و خود را متحد و یکپارچه، زیر رهبری امام خمینی، برای عقیم گذاردن توطئه هفتم آمریکا آماده کنیم.

آمریکا بعهده دارند، از طرفی آشکارا به هواداران خود دستوز میدهند: «در این رابطه ضروری است که رقبا یا شرکت در جمعاتی که بخصوص در مناطق شلوغو توده های تهران و شهرستانها حول بحث درباره مسائل جنبش، موقعیت هیئت حاکمه و... تشکیل می شود، به افشای هیئت حاکمه و نقش عمده ای را در اجرای توطئه

و یا برجسته کردن اختلافات فرعی، نظر مردم را از توطئه اصلی منحرف کند. ضدانقلاب بیشترانه دست به دزدی و جنایت میزند و توسط ایادی خود عامل آنها را جمهوری اسلامی ایران معرفی میکند، تا باین طریق مردم را نسبت به انقلاب بدبین و آنها را از رهبری جدا کند. مائوئیست های آمریکائی، که نقش عمده ای را در اجرای توطئه

همزمان با لشکر کشی بیباکه امپریالیسم آمریکا به خلیج فارس، درست در زمانی که تهدیدات امپریالیستهای آمریکائی به اوج رسیده است، در همان حال که رسانه های گروهی امپریالیستی افکار عمومی جهان را برای حمله به ایران آماده می کنند، ضدانقلاب تمام توش و توان خود را یکبار گرفته و با تمام نیرو درصدد زمینه جینی برای اجرای توطئه هفتم امپریالیسم آمریکا علیه انقلاب ایران است. اخباری که از سراسر کشور میرسد حاکی از این است که ضدانقلاب زیر نقاب «جبه» و «راست» دست به توطئه های رنگارنگ زده است، تا تشنج را در حد ممکن در کشور بالا ببرد

نه، این قافله را سرباز ایستادن نیست

قامت رفیق قهرمان توده ای حمید رضا دوراندیش، ذره ذره خاکستر شد

رفیق قهرمان در قلب نیروهای دلور ایران قرار داشت، که بیساکانه به دشمن حمله کردند. تجاوزگران صدامی آفتگر گلوله بر سرش باریدند که پیکر رفیق حمید آتش گرفت و خاکستر شد.
وصیتنامه رفیق: اگر به درجه شهادت نائل شدم، از چرخه که دو ماه پیش خریدم باید برای رسیدن به کارهای حزبی استفاده شود.



رفیق قهرمان دیگری، قلب مهربان خود راه که در آرمان توده ها شعله ور بود، در مقابل

«من به دستور حزب!» جبه میروم. من بخاطر حفظ و حراست از حیثیت و شرافت مملکت و مردم غیور و قهرمان ایران و تمام زحمتکشان جهان، که در زیر سلطه امپریالیسم، بسرگردگی امپریالیسم جهانخواز آمریکائی، چون گوه استوار مبارزه می کنند، داوطلبانه به جبه میروم.»
(از وصیتنامه رفیق شهید توده ای، حمیدرضا دوراندیش)

گلوله های دشمن سیر کرده، تا یازده باره های آن راه را بر دوزخیمانی که خاک میبین انقلابی ما را می آلابند، ببندد.
رفیق توده ای دیگری، حمید رضا دوراندیش، در جبه های نبرد زریارو با امپریالیسم آمریکا، در قلب رزمندگان ایران، که بیساکانه به دشمن متجاوز یورش برده بودند، جن خویش را تثار انقلاب کرد. انبوه گلوله ها، بیکسر پهلویش را چنان دردم گوید که به خاکستر تبدیل شد و تنها این همزمانش بودند که بقیه در صفحه ۲

برای مبارزه با امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی مردم ایران، متحد شویم!

استقلال

(بخشی با آقای بنی صدر)

وابستگی، عدم وابستگی به سلطه‌گر باشد، کافی نیست. حتی ممکن است دو کشور با هم رابطه نداشته باشند، اما زیرسلطه یکدیگر باشند، یعنی مستقل نباشند. شما دو کشوری را فرض کنید که هر چه میکنند در رابطه با قدرت یکدیگر باشد. این‌ها بهم وابسته‌اند و نمیتوانند خود را نسبت به دیگری مستقل سازند. اگر آمریکا و روسیه در توازن عمومی قوا خود را ناگزیر ببینند که متناسب با قدرت رقیب قوه ایجاد کنند، پس هر کدام از این دو، بخش مهمی از مازاد تولید داخلی را باید صرف ایجاد تعادل بکنند، که در این حالت این دو بهم وابسته‌اند...

در این استقلال، وابسته کردن، نه به معنای تحمل اراده اسارتگرانه و غارتگرانه، و وابسته بودن، نه به معنای در معرض آن تحمل قرار داشتن بکاررفته، بلکه وابستگی به معنای هرگونه رابطه و حتی به طور کلی مناسبات آمده است و، در نتیجه، مطابق این استقلال - چنانکه آقای بنی صدر معتقد است - هیچ کشوری نمیتواند وابسته نباشد. کشور غارتگر هم وابسته به کشور غارت شده است. اگر کشور غارت شده نگذارد غارت شود، پس تکلیف غارتگران چه میشود؟ اگر کشورهای نفتخیز نگذارند نفت آنها را غارت کنند، آنگاه اقتصاد غارتگران به سرنوشت شومی دچار می‌شود. اصولا وابستگی امری محتوم و غیرقابل اجتناب است. شوروی که از آمریکا گندم بخرد، وابسته به آمریکا میشود. آمریکا هم که به شوروی گندم می‌فروشد، وابسته به شوروی میشود. حتی اگر رابطه هم با یکدیگر نداشته باشند، فاشده ندارد، باز به یکدیگر وابسته‌اند. چون اگر آمریکا بخواهد به شوروی حمله کند، باید از مازاد تولید داخلی صرف تسلیحات کند. و شوروی هم وابسته است، چون باید هزینه‌های نظامی برای رفع تجاوز متحمل شود. عراق به ایران وابسته است، چون به ایران حمله کرده و مقداری از مازاد تولید داخلی خود را صرف جنگ تهاجمی میکند. ایران هم به عراق وابسته است، چون برای دفاع متحمل هزینه‌های نظامی است.

هیچ کشوری در هیچ حالت و در هیچ زمان غیروابسته نیست و نمیتواند، باشد، و چون عدم وابستگی بخشی از استقلال است و نه همه آن، پس هیچ کشوری در هیچ حالت و در هیچ زمان مستقل نیست و نمیتواند باشد. اصولا استقلال که سهل است عدم وابستگی هم (که بخشی از استقلال است)، رویایی است غیر قابل دسترسی، سراسری است فریبنده. وابستگی امری است محتوم، که گریز از آن ممکن نیست. (وقاعدتا باید نتیجه گرفت که، پس باید بدان‌تن در داد!)

آقای بنی صدر، بر مبنای استدلالی که بالاتر عینا نقل کردیم، تعریف زیر را از استقلال استخراج میکند: "از دید من استقلال وضعیتی است که کشور وقتی در آن موقعیت قرار گرفت، انگیزه‌های خارجی، در کاربرد نیروهای محرکه اوموثر نباشد و آن کشور تمام امکانات خودش را بتواند در درون نظام اجتماعی خودش در جهت سازندگی و رشد به کار اندازد و هیچ بخشی از نیروهای خود را در تبع و در رابطه با خارج به نیروی تخریبی تبدیل نکند و یا از کشور خارج نسازد".

مطابق این تعریف نیز کسب استقلال محال است. چون هیچ کشوری، مادام که در این دنیای خاکی است، نمیتواند با جهان خارج قطع رابطه کند. آن‌هم بقیه در صفحه ۶

"منطق" - حداقل - عجیب است و ما تاکنون بدان برخورد نکرده بودیم و از آن اطلاع نداشتیم. مطابق این "منطق"، حزب توده ایران - بنا به ادعای آقای بنی صدر - معتقد است که بورژوا استقلال میخواهد و کارگر آن را نمیخواهد و بدین وسیله (!) یعنی سوسیله معرفتی بورژوا بعنوان استقلال طلب و معرفی کارگر بعنوان مخالف استقلال، حزب توده ایران "زمینه سازی برای سلطه ابرقدرت شرق" میکند!

آقای بنی صدر قبول دارند که "کارگر استقلال کامل را میخواهد" یعنی "خود بخود مفهوم مخالف" قبول دارند که "بورژوا ابتدا استقلال نمیخواهد" و، در نتیجه، مطابق "منطق" خودشان باید قبول کنند که "زمینه سازی برای سلطه ابر- قدرت غرب" کرده‌اند!

ثانیا آقای بنی صدر مدعی شده است که گویا حزب توده، ایران گفته است که "استقلال چیزی است که بورژواها آن را میخواهند". کجا حزب توده ایران چنین مهملی را گفته است؟ آقای بنی صدر که خود را پای بند بحث علمی میدانند، ماخذ این دعوی خود را ذکر نکرده است. آیا بحث علمی اجازه میدهد که بیان مهملی را به ما نسبت دهند و سپس از آن مهمل، آن‌هم با "منطق قوی"، نتیجه بگیرند که ما "برای سلطه ابرقدرت شرق زمینه سازی" میکنیم؟

نظر آقای بنی صدر نسبت به استقلال و وابستگی

آقای بنی صدر مفهوم استقلال را به معنای عدم وابستگی قبول ندارند. "عدم وابستگی" - به نوشته ایشان - "استقلال نیست"، "عدم وابستگی بخشی از استقلال است نه همه آن". ضمنا ایشان معتقدند که این عدم وابستگی، که "بخشی از استقلال است"، وجود خارجی نمیتواند داشته باشد. همه کشورها، یا سلطه‌گرند یا زیرسلطه. آقای بنی صدر چنین استدلال میکند:

"عدم وابستگی بخشی از استقلال است نه همه آن و حال این که خود وابستگی هم مفهوم مطلق نیست. یعنی چنین نیست که رتبه سلطه وابسته باشد و سلطه‌گر وابسته نباشد... چون سلطه‌ها هم وابسته‌اند. فکر کنید اگر نفت کشور- های نفتخیز به کشورهای صنعتی نرود، آن کشورها چه وضعی خواهند داشت؟ اقتصادشان از پای در می‌آید و آن جامعه‌ها دچار بدترین سرنوشت میشوند. پس آنها هم مستقل نیستند. اما در هر حال مسلط مسلط است و زیرسلطه زیرسلطه! (علامت تعجب از خود مؤلف است) مستکبر مستکبر است و مستضعف مستضعف... سلطه‌گرها وابسته‌اند، اما سلطه و زیرسلطه‌ها وابسته‌اند، اما از موضع زیرسلطه. پس صرف این که بگوئیم تنها مراد ما از عدم

بنابراین رابطه ما با دیگر خلق‌ها و بادیگر کشورها نه فقط امری است محتوم، بلکه ضرور- ضرور برای این که ما بتوانیم نیازمندی‌های خود را در عرصه‌های مختلف برای رشد موزون کشور خود برآورده سازیم و در عوض نیازمندیهای دیگران را در حدود امکانات خود مرتفع کنیم. ولی در برقراری این مناسبات، اولاً ما خود باید راسا و فارغ از هرگونه نفوذ و فشار غرض‌آلودی، تصمیم بگیریم، و ثانیا این مناسبات باید بر مبنای احترام بی‌خدا متقابل به حق حاکمیت ملی، بر مبنای برابری کامل حقوق و نفع متقابل عادلانه برقرار شود. چنین است مفهوم استقلال". (نامه "مردم"، شماره ۲۵۶)

پیش درآمد برای رد نظرها

آقای بنی صدر با این چنین مفهومی از استقلال مخالف است و تعریف خود را از استقلال و وابستگی در رد نظرها ارائه می‌دهد. ولی قبلا، به عنوان پیش‌درآمد، متأسفانه نظریات مهملی را به حزب ما نسبت می‌دهد. چرا؟ معلوم نیست. شاید از روی "روانشناسی"، برای آماده کردن خواننده به مخالفت با نظرها و قبول نظر ایشان نسبت به مفاهیم استقلال و وابستگی؟! به هر حال، بد نیست به این پیش درآمد اشاره کنیم، گرچه به اصل مطلب ارتباط ندارد.

آقای بنی صدر مینویسد: "وقتی می‌گویند (در تیترو درشتی که وسط صفحه چاپ شده، نوشته شده: وقتی حزب توده میگوید) که استقلال چیزی است که بورژواها این را میخواهند، خود بخود مفهوم مخالف آن این است که کارگر آنرا نمی‌خواهد! در حالی که این زمینه سازی برای سلطه "ابر قدرت" شرق است، و حال آنکه کارگر استقلال کاملی را میخواهد".

در این جا ما با مطلب بسیار جالبی روبرو میشویم: اولاً این "منطق" که، چون (به فرض غلط) بورژوا استقلال میخواهد، پس کارگر آنرا نمیخواهد. مطابق این "منطق"، چون بورژوا میخواهد لباس بپوشد، پس کارگر نمیخواهد لباس بپوشد، چون بورژوا میخواهد پلو بخورد، پس کارگر نمیخواهد پلو بخورد. این



امام خمینی: حالا ما وابسته به غیر نیستیم. البته یک احتیاجاتی دنیا به هم دارد این وابستگی نیست. مثلاً ما احتیاج داریم که گندم بخریم. پول می‌دهیم و گندم می‌خریم... این‌ها اسمشان وابستگی نیست... مبادلات تجارته است، وابستگی نیست. وابستگی این بود که مادر زمان شاه داشتیم که همه چیزمان را باید آنها بیابند اداره کنند. مستشار بیاید و لشکرها را این طور بکنند که کردند و این طور خرابکاری (کنند). این مبادلات و باب خرید و فروش که بطور متقابل... خرید و فروش میکنند، این اسمش وابستگی نیست. الان ایران وابسته به هیچ جا نیست. این بهترین چیزی است که جمهوری اسلامی آورده...

تعریف ما از مفهوم استقلال

آقای بنی صدر تعریفی را که ما از استقلال کرده‌ایم، قبول ندارد. می‌نویسد: "متنی را از چند روزنامه بافق- های ظاهراً متفاوت، ولی بانظرم نظر- ها و با نظرگاههای یکسان خواندم. این متن درباره مفهوم استقلال بود. من پیش از این درباره استقلال مقاله بسیار نوشته‌ام و در نظریه- سلطه، با تعریف مشخصی از استقلال، به پیش این نظریه پرداختم، نظریه- های موجود را انتقاد کرده‌ام... در تعریفی که یکی از این سه جریان از استقلال به دست داده بود، آمده است که استقلال یعنی عدم وابستگی و صاحبان این نظریه یعنی حزب توده..."

آقای بنی صدر آنگاه دو جریان را رها می‌کند و نامی از آنها (معلوم نیست چرا؟) نمی‌آورد و به رد نظر حزب توده ایران می‌پردازد و بدین وسیله "نظرگاههای یکسان" را رد میکند. بدینسان رد نظر حزب توده ایران مستقیماً هدف قرار می‌گیرد و چون چنین است، ما لازم میدانیم که نظر خود را، بار دیگر، به صورت نقل مجدد تعریفی که در نامه "مردم" درباره مفهوم استقلال و عدم وابستگی آمده، به نظر خواننده برسانیم و سپس به بحث درباره نظرات آقای بنی صدر، که در رد نظر ما شرح داده است، بپردازیم. نظرها چنین ارائه شده است:

"استقلال، یعنی عدم وابستگی. ولی استقلال یا عدم وابستگی به معنای انزوا طلبی نیست، به معنای قطع رابطه با دیگر کشورها، به معنای دیوار کشیدن به دور کشور نیست. یک چنین "استقلالی" نه ممکن است و نه مفید. ما وقتی بتوانیم احترام به تمامیت ارضی کشور و احترام به حق حاکمیت جمهوری اسلامی ایران را تامین کنیم، وقتی قادر باشیم که در عرصه سیاست، چه سیاست خارجی و چه داخلی، راست تصمیم بگیریم، در عرصه اقتصاد مناسبات برابر حقوق با سود عادلانه متقابل با دیگر کشورها برقرار کنیم، وقتی ما در تمام شئون زندگی، اعم از سیاسی، اقتصادی، نظامی، بازرگانی، فرهنگی و غیره، خودمان بر مبنای مصالح کشور و بر رشد و ترقی و طمان، راسا تصمیم اتخاذ کنیم، استقلال کشورمان را تامین کرده‌ایم. این معنی و مفهوم واقعی استقلال است." ("نامه" مردم، شماره ۲۹۱)

و نیز: "مفهوم استقلال، یعنی رهایی از اسارت، یعنی عدم وابستگی در عرصه‌های سیاسی، اقتصادی، نظامی، مالی، فرهنگی و تمام دیگر شئون زندگی، یعنی کسب امکان تصمیم‌گیری، برنامه‌ریزی و اجرای آنها به سود ترقی همجانبه مادی و معنوی خلق و کشور خودمان. بدیهی است که این استقلال و مبارزه برای تحقق آن به معنای دیوار کشیدن به دور کشور نیست، به معنای منزوی کردن کشور نیست، به معنای قطع رابطه با دیگر خلق‌ها و بادیگر کشورها نیست. ما در این دنیا زندگی می‌کنیم و کشور ما در این دنیا قرار گرفته است و

این سخنان امام خمینی را ما از متن بیاناتی استخراج کرده‌ایم که امام خمینی خطاب به هیئت دولت ایراد داشتند و در شماره ۱۷ دی ماه ۵۹ روزنامه "انقلاب اسلامی" چاپ شده است. تصادفاً در همان شماره، آقای بنی صدر (در کارنامه رئیس جمهور) نظریات خود را درباره استقلال و وابستگی شرح داده است، منتها در رد نظر "سه جریان" درباره استقلال و وابستگی، ولی مستقیماً خطاب به حزب توده ایران.

نظر به این که عمده‌ترین هدف انقلاب بزرگ ایران، قطع وابستگی و کسب استقلال کشور و عمده‌ترین وظیفه‌ای که در برابر هر انقلابی راستین قرار گرفته، حفظ و تحکیم استقلال کشور است و با در نظر گرفتن اینکه آقای بنی صدر رد نظر حزب توده ایران و بیان نظرات خویش را - صرف نظر از نیت‌هایی که ظاهراً گریزناپذیر است - مجموعاً بالحن بحث علمی مطرح ساخته است و نیز با در نظر گرفتن اینکه آقای بنی صدر در مقام ریاست جمهوری قرارداد و بنا بر این نظریات ایشان احیاناً می‌تواند در تدوین سیاست کشور موثر واقع شود، ما لازم دانستیم در این بحثی که آقای بنی صدر با ما کشوده‌است، شرکت کنیم.

چکیده و نتیجه نظرات آقای بنی صدر

ما شرح نظرات آقای بنی صدر را درباره استقلال و وابستگی به دقت مطالعه کردیم. در آن تخری دعوی یافتیم که با واقعیت وفق نمی‌دهند. (که آن‌ها را مطرح خواهیم ساخت). در آن با تناقضات مشهودی نیز روبرو شدیم (که از آنها می‌گذریم). ولی قطع نظر از آن دعوی و این تناقضات، چکیده و نتیجه نظراتی که آقای بنی صدر ارائه داده است، در یک جمله خلاصه می‌شود و آن اینکه: در جهان هیچ کشور مستقل و غیر- وابسته وجود ندارد! آقای بنی صدر می‌نویسد:

"با این تعریف (من) از استقلال طبیعی است که خواننده خواهد گفت: پس در این جهان هیچ کشور مستقلی وجود ندارد؟ و جواب این است که: چنین است، چون هیچ کشور مستقلی وجود ندارد... ما با این نظر مخالفیم، چون با حقیقت و با واقعیت وفق نمی‌دهد. شاید آقای بنی صدر جمهوری اسلامی ایران را استثنا می‌داند؟ نه، استثنا نمیداند. وی هیچ کشوری را استثنا نمی‌داند، از جمله الجزایر و لیبی و سوریه، و از جمله جمهوری اسلامی ایران را! آقای بنی صدر می‌نویسد:

"خیر، این‌ها (الجزایر و لیبی و سوریه) بندهای وابستگی بسیار بر دست و پای خود دارند، چنان که ما خود نیز داریم". ما با این نظرم مخالفیم، چون خلاف حقیقت و واقعیت است. به نظرم، هر قدر به صورت "تئوری" کوشش به عمل آید، که واقعیات دگرگون جسم یابند، واقعیات سر جای خود باقی می‌مانند.

اخراج کارگران شرکت ابریشم گیلان، عملاً بسود ضدانقلاب است

با برنامهریزی که در شرکت ابریشم صورت گرفته است، می توان آنرا به مرکز تولیدی سردهندهای تبدیل کرد.
هر عملی که باعث کم کاری، متوقف شدن تولید و تعطیل شدن مراکز تولیدی شود، تنها می تواند منافع امپریالیسم را تامین کند.

ارسالها بیش در توت زارهای استان گیلان، از اواسط اردیبهست تا اواسط تیرماه دهقانان به پرورش کرم ابریشم مشغول می شوند و در شهریور ماه هر سال به برداشت محصول می پردازند.

پرورش کرم ابریشم و تولید ابریشم از صد سال پیش در ایران روی گرفت. در ضمن ارهمن امتداساماری (پیرین) تخم نوغان را در معرض تهدید قرارداد و آسیب فراوانی به محصول دهقانان رساند. در همین زمان بود که وارد کردن تخم نوغان ممنون ابریشماری از اروپا، زاین و برکبه عثمانی آغاز شد. بیشتر واردکنندگان تخم نوغان تجار بازار بودند، که آن را از ایران می خریدند و با قیمتی گزاف به دهقانان می فروختند.

جنگ جهانی اول باعث سقوط صمت نوغان در بازار آغشته مبادلات کشورمانند. بعد از جنگ جهانی دوم و تا قبل از سال ۱۳۵۲، وضع نایبامان تلمارها (محل پرورش کرم ابریشم) و شوهدهای تخم گیری غیر بهداشتی و غیر علمی در روشهای تولید سدوی، موجب تلف شدن مقدار زیادی کرم و پله می شد.

برای جلوگیری از این امر، شرکت ابریشم گیلان، در سال ۱۳۵۲، در مزرعه "پرند" بصورت یک واحد آزمایشی شروع بکار کرد. نوع فعالیت این شرکت، کشت و پرورش با پرورش کرم و تولید پیله بود. زمینی که برای اینکار در نظر گرفته شد، حدود سه هزار هکتار بود و سه منطقه: ۱- مزرعه "پرند" (حشکودهان) ۲- مزرعه "پرنیان" (ظاهر گولاب) و ۳- کارخانه "آباتر" تقسیم شد.

سال گذشته، ریاست شورای انقلاب در بخشنامه شماره ۸۳۹۰۰ مورخ ۵۸/۱۲/۲۷، برنامه ادغام تاسسات و تشکیلات شرکت ابریشم گیلان و تاسیس شرکتی بنام شرکت سهامی مطالعات و گسترش پرورش کرم ابریشم را ابلاغ کرد.

چنین برنامه ریزی وسیعی مسلماً می توانست و می تواند سود کشور و انقلاب باشد. اما زیاده وجود دارد، تا شرکت سهامی پرورش کرم ابریشم گیلان بصورت یک واحد بزرگ تولیدی سود دهنده متحول بکار نشود. اما

کارگران و کارمندان آن، احتراز کرد. اینکار، عملاً بسود امپریالیسم آمریکا است، زیرا امپریالیسم آمریکا مایل است که ما از نظر احتیاجات خود دچار کمبود شویم. امپریالیسم آمریکا آرزو دارد تا در پی تحریک اقتصادی، کارخانهها و مراکز تولیدی ما را از کار بیفتند، تا بتواند تحت فشار اقتصادی و با تحریکات عوامل داخلی خود، جمهوری اسلامی ایران را به سقوط بکشد.

در شرایط کنونی اخراج کارگران عملاً بسود ضدانقلاب است، زیرا ضد انقلاب می تواند با تبلیغات و تحریکات خود، کارگران را به انقلاب و دست آوردن های آن و آینده آن بدین سازد، کارخانهها و مراکز تولیدی را به آشوب بکشد، اعتصاب و تظاهرات برپا کند، تا زمینه توطئه سرنگونی جمهوری اسلامی را فراهم آورد.

این هتداری است جدی که باید با آن جدی وقاطع برخورد شود. اخراج بی رویه کارگران باید متوقف شود. از نیروی آنها باید برای تامین ضروریات جامعه استفاده کرد و از این طریق از تعطیل شدن کارخانه و مراکز تولیدی جلوگیری بعمل آورد. مسئولان باید تصمیمات لازم را برای جلوگیری از این عمل اتخاذ کنند و مدیران شرکتها بی راکه کارگران را بدون دلیل اخراج می کنند، مورد بازخواست قرار دهند، از آنها سلب مسئولیت کنند و افرادی لایق گردان و مومن به انقلاب را جایگزین آنها سازند. هرگونه هممال و کم کاری، هرگونه سستی و عمل ناسمجده - خواناخواه به زبان انقلاب است. انقلاب می طلبد که با مسائل موجود قاطع، انقلابی، اصولی و منطقی برخورد شود.

هر برخوردی جز این بسود انقلاب نیست. اما این کارخانه از سویی زمینههای کم کاری و توقف تولید ایجاد می شود، و از سویی دیگر عوامل ضدانقلاب، که در پست های مهم نفوذ کرده اند، علیه انقلاب، رهبری آن و روحانیت مبارز بیرو و خط امام تبلیغ می کنند.

ماده سی و سه قانون کار را میتوان لاقلمعوق گذارد از اخراج خودسرانه کارگران خودداری کنید!

به مسئول اداره کار گوشزد می کند، او در جواب می گوید: "آن گزارش اولی نادرست بوده است". بدین ترتیب اداره کار هشتپدر با احتساب دوماه سابقه کار، مبلغ ۱۱۳۰۰ ریال خسارت تعیین می کند، تا از جانب کارفرما به کارگر پرداخت شود.

کارگر نامبرده برای تجدید نظر در حکم ظالمانه مزبور به اداره کار رشت مراجعه کرده است. در ضمن کارفرما به از گفته است: "اگر شده صد هزار تومان خرج می کنم، ولی حتی پنج هزار تومان هم اگر حق تو باشد، محال است بدهم. رضا رحیمی با یازده سال سابقه کار در کارخانههای گچ تهران، سیما ن تهران، وزنه و بی اف گودریچ، اکنون با شش سرعائله این چنین مورد ظلم واقع شده است و از فردای خود مطمئن نیست، او با قیافه ای خسته و دلبری شکسته می گوید: "آقا این ادارات باید پاکسازی شوند، اینها نباید مانند زمان طاغوت باشند".

است که: "تو کارگران را تحریک می کنی و حرف از تشکیل سندیکا می زنی!" رضا رحیمی در پاسخ به کارفرما می گوید: "بر فرضی که چنین حرفی زده باشم، این حق قانونی ماست. رضا رحیمی برای احقاق حق خود به اداره کار هشتپدر شکایت می کند. پس از مراجعات مکرر، به رئیس اداره کار می گوید: "شما با این قدرتی که دارید، چطور نمی توانید کارفرما را برای ادا ی توضیحات به اینجا بیاورید؟" مسئول اداره کار هشتپدر، ضمن توهین به این کارگر می گوید: "حال که این طور شد، دستور می دهم پرونده را به ضرب تو درست کنند".

و این کار را هم می کند. در پرونده های که برای رضا رحیمی تشکیل می شود، سابقه کار او بجای ده ماه، دو ماه ذکر می شود. و این در حالی است که در تحقیقات قبلی توسط بازرسان اداره کار هشتپدر، سابقه کار این کارگر ده ماه ذکر می شود هنگامی که رحیمی این مسئله را

حدود هشت ماه قبل، رضا رحیمی، کارگر فنی کارخانه "گیلان صدف"، واقع در آستارا، توسط کارفرما، به بهانه های واهی، اخراج شده است. این کارگر از ابتدای نصب کارخانه تا دو ماه پس از آغاز بهره برداری از این واحد، جمعا مدت ده ماه در این کارخانه کار کرده است. ناگفته نماند که تمام کارهای فنی کارخانه بر عهده او بوده است.

رضا رحیمی یکروز، هنگامی که به رانندگی لودر مشغول بوده با مامور بیمه مواجه می شود. مامور بیمه از او می پرسد: آیا بیمه هستی؟ او در پاسخ می گوید خیر. آن گاه مامور بیمه در مقابل این کارگر از کارفرما بازخواست می کند و در مورد حقوق کارگران به او گوشزد می کند. کارفرما از آن روز به بعد با رحیمی سرنا سازگاری می گذارد. ترس او از این بوده که مبادا این کارگر گفته های مامور بیمه را برای سایر کارگران بازگو کند. سرانجام یک روز او را بدون هیچ دلیل و بهانه ای از کارخانه اخراج می کند. کارفرما به کارگر نامبرده گفته

بابکار گماردن مدیریت انقلابی، کارخانه «سایپا» را برآه اندازید

لازم است. با پیروزی انقلاب فشار کشورهای امپریالیستی بر ایران، برای بزانودر آوردن انقلاب و خرید کردن عزم راسخ مردم ما فزونی یافت با گذشت زمان وبا تعمیق انقلاب این فشار بیشتر شد. یک نمونه آن محاصره اقتصادی وعدم ارسال مواد ضروری و لازم بود که بدون تردید اشرفا وانی سرچگونگی تولید در کارخانه ها گذاشت.

اما اینکار بدینجا ختم نمی شود. کارفرماها و مدیران طاغوتی، که بحق یکی از حساس ترین مهره های ضدانقلاب هستند، با خرابکاری در کارخانه ها و مراکز تولیدی بر ناسامانیهای موجود دامن زدند. آنها خود عمدا مانع رسیدن مواد اولیه به کارخانه ها شدند، ولی انقلاب و رژیم جمهوری اسلامی را مقصر معرفی کردند. حال آنکه خود بهتر از هر کس می دانند که عامل اصلی ناسامانیها و کمبودها امپریالیسم جهانی، برهبری امپریالیسم آمریکا است.

کارفرماها و مدیران طاغوتی می بایستی با پیروزی انقلاب از پست های مهم اخراج می شدند و به جای آنها افراد مومن به انقلاب قرار می گرفتند. متاسفانه این عمل نه تنها صورت نگرفته بلکه با قیاسی مانند مدیران طاغوتی براس کارها و در پست های حساس، فرصت خوبی به ضدانقلاب داده شد، تا بتوانند افراد انقلابی را از کارخانه ها و مراکز تولیدی اخراج کنند و به جای آنها افراد وابسته به خود را جانشین سازد. اینها خود عوامل مهمی در کم شدن و یا متوقف شدن تولید بودند.

اینگونه حوادث هم اکنون در کارخانه «سایپا» مشاهده می شود. در حالیکه کارگران می توانند حداقل امکانات کارخانه را بکار اندازند و به تولید بپردازند، مدیران و مسئولان کارخانه، با بهانه های مختلف و اشکال تراشی های گوناگون، کارخانه را از ادامه تولید باز داشته اند.

وظیفه مسئولین است تا با مدیران طاغوتی، و نالایق برخوردی قاطع و انقلابی داشته باشند. کم نیستند افراد لایق و مومن به انقلاب که بتوانند اداره امور کارخانهها را بدست بگیرند. باید از این افراد به جای کارفرماها و مدیران طاغوتی استفاده کرد و وضع ناسامانی کارخانهها را سامان بخشید. در نامه "مردم" بارها در مورد ضربات جدی که این افراد می توانند به انقلاب بزنند و نقش مخرب آنها سخن رفته است و بارها توصیه شده است که هر چه زودتر به جای آنها افراد انقلابی به کار گمارده شوند. در مورد مواد اولیه نیز اقدام دولت در تامین مواد اولیه کارخانه ها اقدام امیدبخشی است.

مواد اولیه کارخانه «سایپا» را می توان و باید از کشور های دوست انقلاب ایران تهیه کرد. با تغییر خط تولید، از امکانات کارخانه «سایپا» برای تولید ضروریات جامعه استفاده کنیم.

از آغاز جنگ تحمیلی رژیم صدام به میهن انقلابی ما، تولید کارخانه اتومبیل سازی «سایپا» بتدریج کم شده است و مدتی است عملاً تولیدی ندارد. علت کم شدن تولید عبارتست از: ۱- اختلال در امر فرستادن وسایل و لوازم ضروری برای ادامه تولید. امپریالیسم فرانسه این وسایل را با کسری و توام با ضایعات و تاخیر زیاد ارسال می کند. توقف تولید در ابتدایه علت این تاخیرها بود.

۲- مدیریت غیر مسئول کارخانه نیزمانعی است برای ادامه تولید. مدیریت کارخانه از یکطرف مانع انعقاد قرار دادهای جدید با کشورهای ضد امپریالیستی می شود و از سوی دیگر، به بهانه های مختلف از هر نوع اقدامی که بتواند در پیشبرد امر تولید و ادامه آن صورت بگیرد، خودداری می کند. مدیران کارخانه، انقلاب را باعث اصلی کمبودها و نارسائی ها می دانند. حال آنکه خود زمینه ساز و عامل این نارسائیها؛ ممنوعی هستند. بطور مثال: قسمت تحقیقات و متد کارخانه مسئول یاد دادن و اعلام کردن تغییراتی است که هر چند یکبار از طرف کارخانه سازنده در وسایل داده می شود. این تغییرات باید بوسیله تکنیکان فرانسوی آنها اطلاع داده شود و آنها نیز به اطلاع کارگران برسانند. در حالیکه قسمت تحقیقات ظاهراً متوجه تغییرات نیست و آن را اعلام نمی کند. با اینحال کارگران خود تغییرات را تشخیص می دهند و کار بر رد جدید آنرا فرامی گیرند.

در این کارخانه از سویی زمینه های کم کاری و توقف تولید ایجاد می شود، و از سویی دیگر عوامل ضدانقلاب، که در پست های مهم نفوذ کرده اند، علیه انقلاب، رهبری آن و روحانیت مبارز بیرو و خط امام تبلیغ می کنند. این ناسامانیها، که می توانند کارخانه را به تعطیلی کامل بکشند، نگرانی زیادی برای کارگران مومن به انقلاب کارخانه ایجاد کرده است. شرایط حساس کنونی نمی تواند کم کاری و تعطیل شدن مراکز تولیدی و کارخانهها را بپذیرد. لزوم حفظ و تحکیم گسترش انقلاب ایجاب می کند که از تمامی توان و نیروی ممکن استفاده شود، و بیاری اینکار اقدامهای قاطع و انقلابی باشد.

از او پرسیدیم: چاره کار چیست؟ در پاسخ گفت: "کارگران باید با هم متحد شوند. باید سندیکا تشکیل دهند و هوای همدیگر را داشته باشند. این بی عدالتی است که عمده ای در کارخانهها اینطور با ما رفتار می کنند". مسئولین امر باید در عمل باین کارگر ستم دیده بقیانند که دور آن بی اعتدالتی سیری شده است. آنها

باید با تصویب قانون کار مترقی و پاک سازی ادارات، گام دیگری در راه بهبود وضع کارگران زحمتکش ایران بردارند و به این وسیله کارگران قهرمان را نسبت به آینده امیدوار سازند. ما بویژه توجه مسئولین وزارت کار را به سرنوشت دردناک این کارگر زحمتکش جلب می کنیم. اما قبل از هر چیز باید کاسوی مرگبار ماده ۳۳ قانون کار کنونی از زندگی کارگران برداشته شود.

گذری به روستاهای استان کرمانشاهان

اجرای قانون اصلاحات ارضی، بسود دهقانان تهیدست، موجب تقویت جبهه انقلاب می گردد

هم اکنون بسیاری از روستاهای استان کرمانشاهان شاهد اعتلاء و تکامل انقلاب هستند. روستائینی که سالیان سال در رنج و حرمان زندگی می گذراندند و سایهٔ ثوم و سنگین بزرگ مالکان بوسرشان بود، روستا- ثیان زحمتکشی که سالیهای متعددی تحت شدیدترین بهره کشی ها از جانب بزرگ مالکان قرار داشتند، اینک می بینند که انقلاب به آنان لبخند می زند.

انقلاب مصمم است که گره های کور زندگی آنان را بگشاید. انقلاب مصمم قاطع گرفته است که خواست های حقهٔ آنان را اجابت کند و هیچ نوع اعمال فشار و ایجاد مشکلات متنوع نمی تواند مانع پیشرفت انقلاب شود. این روستائیان تهیدست عظمت و حرکت انقلاب را از جمله در کار هیئت های هفت نفری در این استان حساس غرب می بینند. این ثمره بزرگ انقلابی است که به دست توانای خودشان صورت گرفته. روستائیان

زحمتکش متقابل در حمایت و دفاع هر چه افزون تر از انقلاب به جان می کوشند. آنها از سفره خود می برند و به جبهه کمک می رسانند. آوارگان جنگی را سکنی می دهند، درسیج ثبت نام می کنند، به جبهه می روند، به آوارگان و نیزجان برکفان جبهه یاری می رسانند. این خود ثابت می کند که تحقق خواست های زحمتکشان موجب تقویت جبهه انقلاب می گردد.

به منظوری بردن به نحوه کار هیئت ها و نیز مشکلاتی که روستائیان با آن مواجه هستند، همراه با هم به برخی از روستاهای کرمانشاه می رویم: روستای بابان یاور، یکی از روستاهای بخش سنجابی در استان کرمانشاهان است این روستا در ۴۵ کیلومتری غرب کرمانشاه و ۳ کیلومتری شرق کوزران (مرکز بخش) قرار دارد. روستای بابان یاور ۱۱۰ خانوار را در برمی گیرد که از این تعداد، ۶۵ خانوار بی زمین هستند. تعداد کم زمین ها، که اکثر آنها حدود یک هکتار زمین دارند، ۳۰ خانوار است. این ۳۰ خانوار در مجموع ۴۰ جفت زمین (هرجفت معادل ۲ خوروار است) دارند. هنگام اصلاحات ارضی

کذایی شاهانه هیچ گونه تفسیری در وضع مالکیت زمین ها حاصل نشد. با توجه به افزایش تعداد فرزندان خانواده و انتقال مقداری از اراضی به آنان، زمین های باقی مانده برای هر خانواده بسیار ناچیز است. ضمناً همساله تعداد ۲۰ الی ۲۵ نفر از اهالی روستا برای کارگری به شهرستانها و از آنجمله اهواز میروند.

۵ بزرگ مالک روستای بابان یاور دارای اراضی وسیعی در این روستا و روستاهای مجاور بودند. به حکم قانون مصوبه به دست هیئت ۷ نفری که وظیفه انقلابی خویش را انجام داد. اراضی وسیع آنان در روستای بابان یاور مصادره شد. بدین صورت که، به سه هکتار آنها در این روستا هر کدام ۴۰ هکتار و به دوفنر دیگرشان در روستاهای قرمیتیه و لمانی هریک ۴۰ هکتار رسیده است.

۲۶۰ خوروار از اراضی مالکان مذکور به ۶۵ خانوار خوش نشین تعلق گرفت، که ۱۳۰ خوروار آن را نخود پاشیدند و ۱۳۰ خوروار دیگر را به صورت آیش فعلا رها کردند.

۳ نفر از خوش نشینان بوسيلهٔ هیئت هفت نفری به عنوان نمایندگان اهالی بابان یاور انتخاب شدند. به کم زمین ها هیچ گونه زمینی تعلق نگرفت. در حال حاضر اراضی به صورت شاع کشت می شوند. ناگفته نماند که به هرنج بزرگ مالک هم- اکنون در بسیج عشایری، سمت هایی داده شده است.

نحوه عمل روستائیان زحمتکش برای واگذاری زمین

اهالی هنگام کشت بهاره و قبل از ورود هیئت هفت نفری، بعد از مدت ها بحث و گفتگو، سرانجام با تکیه به اتحاد خود و باتکیه به رسم هر ساله که "زمین ها را نخود می انداختند"، تصمیم گرفتند اراضی را بدون کشت نگذارند و مردانه دست به عمل زدند و اراضی مالکان را گرفتند و کشت کردند. بدین ترتیب، ابتدا ده خانوار متحداً سه خوروار نخود پاشیدند که ۱۲ خوروار از زمین مالکان را شامل می شد و بعد، در قسمت دیگر روستا، ۷-۸ خانوار مبادرت به کشت قسمت دیگری از زمین های مالکین کردند. و سرانجام با آمدن هیئت به ده، مصادره زمین ها شکل قانونی به خود گرفت و فعلاً ترکیب زمین ها به قرار زیر است:

کل اراضی روستای بابان یاور ۸۴۰ هکتار است که از این مقدار ۵۲۰ هکتار بین اهالی تقسیم گردید. زمین های ده بطور عمده دیمی است. بعد از مصادره زمین ها، روستا- ثیان به اقدامات مثبتی دست زدند. از جمله هنگام کم شدن گازوئیل، اهالی متوجه شدند که در خانه یکی از مالکین ۱۰ بشکه گازوئیل احتکار شده، که برای تراکتور و شوفاز منزلش در شهر مخفی کرده بود. اهالی هفت بشکه از گازوئیل ها را مصادره کردند و سه بشکه آنرا به مالک دادند. دیگر این که، ۲۵ نفر از اهالی قبل از این که مالک ها بر سرستی بسیج عشایری را به عهده بگیرند، در این نهاد ثبت نام کرده بودند. ولی به محض این که متوجه موضوع شدند، همگی استعفا دادند. اهالی می گویند:

"اگر مالک ها در بسیج باشند، ما نمی رویم" عده ای از اهالی با تاسف به این مسئله برخورد می کنند. آنها می گویند:

"وقتی مالک ها مسلح نبودند، دیدیم چطور از زندان آزاد شدند، حالا که دیگر مسلح هم هستند، دیگری می گفت:

"به خدا اگر تا زیر چوبه دار هم بروند، کریم خان سنجابی آنها را نجات می دهد." اهالی بابان یاور مبلغ ۲۱۰۰ تومان جهت کمک به آوارگان جنگ به کمیتهٔ امداد امام پرداخته اند. روستای بابان یاور فاقد برق، حمام، مسجد و درمانگاه است. مدرسه مخروبه است و امکان نیزش آن وجود دارد. ده دارای منبع آب و لوله کشی است، که شیرهای آب آن شکسته است. موتور آب هم کمی خراب است. ده فاقد شورا است. در روستا فقط دو موتور پمپ است، که به مالکان تعلق دارد. از آب چاه استفاده می شود، که در دوشتری به آب می رسد. در روستای بابان یاور زنان به قالی بافی و گلیم و جاجیم بافی مشغول هستند. ضمناً به اهالی کوبین قند و شکر داده اند و تاکنون نیز به هر خانوار یک بیت نفت رسیده

است. تشکیل شورا می تواند کمک مهمی به این دهقانان بیسدار و حق طلب بنماید.

* روستای ملک خطایی در ۱۵ کیلومتری غرب کرمانشاه واقع است و با جادهٔ اصلی کرمانشاه- کوزران ۱/۵ کیلومتر فاصله دارد. جمعیت این روستا ۱۲۰ خانوار است. در روستای ملک خطایی تا قبل از انقلاب مالکین اکثریت اراضی مزروعی و قابل کشت روستا را در دست خود داشتند. لیکن به برکت انقلاب و فعالیت هیئت هفت نفری و هم اهالی زحمتکش، بیشتر زمین های متعلق به مالکان، که در شرسرکونت داشتند، تقسیم گردیدند. این کام بزرگی است که برداشته شد، لیکن کافی نیست و هیئت های هفت نفری باید موظف شوند که تا تقسیم آخرین قطعه اراضی مالکان بزرگ، که در شهرها دارای دکان ها و موهسات اقتصادی دیگر هستند، دست از فعالیت شریختن خود برندارند.

کشاورزان زحمتکش روستای ملک خطایی زمین های مصادره شده را با وام و بذر و تراکتوری که جهاد سازندگی در اختیارشان قرار داده است، به طریق شاع و تعاونی به زیر کشت برده اند.

تا قبل از واگذاری اراضی به دهقانان، در این روستا ۱۶ خانوار بی زمین و ۱۲ خانوار کم زمین وجود داشت. مقدار اراضی تحت مالکیت مالکان بزرگ نیز به قرار زیر بود: یکی از بزرگ مالکان ۱۰۴ هکتار زمین داشت، که ۷۵ هکتار آن را به ۳ پسرش منتقل کرده بود و در نتیجه تنها ۲۹ هکتار مشمول تقسیم قرار گرفت. دیگری ۱۰۰ هکتار زمین داشت، که تماماً مصادره و تقسیم شد. سومی نیز ۷۵ هکتار داشت، که چون ۳۵ هکتار آن را به پسرش داده بود و ۴۰ هکتار را نیز در مالکیت خود نگهداشته بود، مشمول تقسیم نگردید و بلااشته بزرگ مالک چهارمی، که ۱۰۷ هکتار زمین داشت، به جزه ۴ هکتار، بقیه مصادره و تقسیم شد. به هنگام گفتگو با اهالی روستای ملک خطایی، مردم ضمن دفاع از اقدامات مثبت هیئت هفت نفری، در بعضی موارد از عمل بعضی از افراد غرض که هدفی جز دفاع از قدرتمندان زر و زور ندارند، اظهار ناراحتی و کله می کنند. آنان می گویند:

"بهرتر است که هیات درموقع تقسیم اراضی مالکان بی ایمان به سخنان اهالی بی توجهی نشان ندهد، بطوری که بر اثر این بی- توجهی یکی از بزرگ مالکان کم زمین- هایش حتماً می بایست به دهقانان واگذار شود، راه فراری پیدا کرد و ۷۵ هکتار آن را به نام سه پسرش به ثبت رساند و به این وسیله مقدار قابل توجهی از زمین هایش را نگه داشت و دهقانان محروم ماندند. این موجب شده است که مسئولین و هیات تقسیم زمین فعلاً در مورد این کلاهبرداری از چشم مأمورین دور ساخته، تصمیمی اتخاذ نکرده اند."

یکی از اهالی می گوید: "این بی توجهی تفسیر همهٔ افراد هیئت نبود. ما هر وقت

می خواستیم به هیئت شکایت کنیم یکی از مسئولین بود که از کار ما جلوگیری می کرد. او درموضع دفاع از مالکان قراردادش و این شخص بود که به مالک حکم استفاده و بهره برداری از اراضیش را داده بود."

روستای ملک خطایی فاقد مسجد، درمانگاه، حمام، آب لوله کشی، برق و دیگر امکانات رفاهی است. کوجهای روستا پراکنده است و فضولات حیوانات است و در زمستان نیز پسران گندآب و مگس می شود. روستا فاقد شورا است و فقط به هنگام تقسیم زمین، سه نفر از افراد بی زمین و کم زمین انتخاب شدند.

حفظ هیئت های ۷ نفری از نفوذ عناصر ناباب و افراد دست نشانده فئودالها یک وظیفه مهم انقلابی است. * روستای چهارزبوسلفی، یکی از روستاهای بخش ماهیدشت، واقع در شهرستان اسلام آباد کرمانشاه است. این روستا در ۲۳ کیلومتری جنوب غربی کرمانشاه قرار دارد. روستا ۷۲ خانوار را در برمی گیرد، که از این تعداد ۵ خانوار خوش نشین هستند. مساحت کل اراضی تحت مالکیت بزرگ مالکین روستا، قبل از فعالیت هیئت هفت نفری ۱۱۷ هکتار بود، که از دو قطعه ۱۱۰ و ۷ هکتاری تشکیل می شد و هر قطعه به یک مالک تعلق داشت. مالکین ده باهم نسبت خویشاوندی دارند.

نحوه تقسیم زمین

با کمک هیئت هفت نفری، ۳ نفر از اهالی به عنوان نماینده انتخاب شدند. به هنگام شروع کار هیئت، در مجموع ۲۴ نفره نام خوش نشین ثبت نام کردند. ولی همهٔ اهالی در این مورد اتفاق نظر نداشتند. یک نفر می گفت:

"... بعضی از این ۲۴ نفر یا خود و یا پدرانشان دارای زمین کافی و ممر درآمد های گوناگون هستند. از جمله یکی از این افراد دارای یک ساختمان در کرمانشاه، یک تراکتور، یک اتومبیل و ۱۱ خوروار زمین زراعتی است و یکی از پسرانش هم افسر است. همچنین این فرد رباخوار هم هست و اکثر زمینها را از راه رباخواری بدست آورده است."

در هر حال، ضرورت دقت کامل در امر تحقیق، البته مشهود است. از ۱۱۰ هکتار زمین، ۷۰ هکتار به ۲۴ خوش نشین تعلق گرفت، که به طور شاع مورد بهره برداری قرار گیرد، ۴۰ هکتار نیز در مالکیت مالک ده باقی ماند. بر سر ۷ هکتار زمین باقی مانده، که طبق حکم هیئت به ۲۴ نفر خوش نشین تعلق گرفته، با مباشر مزبور مدعی است که این زمینها باید به او داده شود. یکی از نمایندگان این ۲۴ خوش نشین می گفت:

"همین امروز یا فردا این ۷ هکتار را هم شخم خواهیم زد. ما حکم داریم و مباشر به تحریک مالک

قصد دارد در ده اختلاف ایجاد کند. خودش ۶ خوروار زمین دارد." بزرگ مالکان معمولاً با ایجاد اختلاف و با به جان هم انداختن روستائیان، می خواهند مانع کشت و شخم اراضی را بی فایده نگذارند. خوشبختانه از سوی ادارهٔ عمران و امور روستاها، برای شخم زمین ها، به خوش نشینان تراکتور داده شده است.

روستای چهارزبوسلفی فاقد برق، حمام، درمانگاه و مسجد است. آب آشامیدنی اهالی از رودخانه، که آلوده است، تأمین می شود. مدرسه روستا دو کلاس است. ۷ نفر از اهالی در بسیج عشایری شرکت کرده اند. روستائیان از این که شرکت تعاونی تاکنون به آن ها قند و شکر و نفت نرسانده است، شکایت دارند. اهالی این ده همچنین ۷ خانواده از آوارگان جنگی قمرشرین را نزد خود سکنی داده اند.

* روستای توبره ریز در بخش درو فرمان واقع است که تا شهر کرمانشاه ۲۷ کیلومتر فاصله دارد. از این ۲۷ کیلومتر ۱۵ کیلومتر آسفالت و ۱۲ کیلومتر شنی است. در این روستا ۴۰ خانوار زندگی می کنند، که ۸ خانوار آن خوش نشین هستند.

مالک ده دارای ۶۰ خوروار از اراضی روستا بود. ۶ خانوار از اهالی مدعی مالکیت ۶۰ هکتار از اراضی مذکور بودند. مالک مذکور پذیرفت که این خاورها ۶۰ هکتار را ببرد و ۶۰ هکتار نیز به زمین ها واگذار گردد.

دو نفر از اهالی برای شرکت در هیئت واگذاری زمین انتخاب شدند که هر دو صاحب زمین هستند. از سوی جهاد در مورد خوش نشین ها آمارگیری شد و ۲۵ نفره عنوان خوش نشین ثبت نام کردند. اراضی مالک فعلاً تا تعیین تکلیف، بوسيلهٔ هیئت به طریق شاع کشت می شود. کل اراضی روستا حدود ۳۶ جفت است، که هر جفت ۱۰ هکتار کال و ۱۰ کال است.

مناصفانه هنوز روستای توبره ریز فاقد شورا است. وضع جاده روستا خوب نیست و در زمستان ها رفت و آمد وسایل نقلیه قطع می گردد. آب آشامیدنی از چاه تأمین می شود. اهالی برای برق تقاضا داده اند. مدرسه روستا ۱۸- ۱۹ محصل و یک معلم دارد و وضع ساختمانی آن خوب نیست. در روستا حدود ۷۰۰ گوسفند و بز و ۵-۶ ماده گاو هست. دوه خانوار در شهر هستند که اراضی آنها در روستاست. حدود ۵ نفر از اهالی در گوره کار می کنند.

* روستای قلعه قباد، یکی از روستاهای کوچک بخش درو فرمان واقع در کرمانشاه است. این روستا ۱۸ خانوار را در برمی گیرد و جمعیت آن به ۱۰۰ نفر می رسد. از ۱۸ خانوار ساکن در روستا ۴ خانوار خوش نشین هستند. مساحت کل اراضی قلعه قباد ۲۱ جفت (هرجفت ۱۲ هکتار) است. مالک ده ۳ جفت زمین داشت، که در اختیار ۴ خوش نشین گذارده شده اند. ۲ نفر از اهالی برای شرکت در هیئت واگذاری زمین انتخاب شده اند. در این روستا شورا تشکیل شده است (اعضا شورا ۵ نفر هستند که ۴ نفر صاحب زمین و یک نفر بی زمین است).

روستای قلعه قباد فاقد آب لوله کشی، حمام، مدرسه و برق است. جاده روستا خاکی و خراب است. روستائیان در خطر حمله و سرقت هستند و اسلحه برای دفاع از خود ندارند. در روستا یک قنات وجود دارد، که در حال حاضر مسدود است. نگاهی گذرا به این روستاهای استان کرمانشاهان و نیز دیگر روستاهای میهنان، این حکم انقلاب را بقیه در صفحه ۶

حل سریع مشکل آب آشامیدنی مردم زاهدان، ضروری است

امپریالیسم آمریکا و متحدینش در اروپای غربی و منطقه، فراهم کردن این لوازم و در نتیجه آغاز کار تصفیه‌خانه دچار مشکلاتی شده است.

اکنون که مردم زاهدان دوباره مجبور به استفاده از آب غیر بهداشتی این شهر شده‌اند، از مسئولان وزارت نیرو و سازمان آب کشور می‌خواهند که برای رفع این مشکل اقدام فوری به عمل آورند.

اقدام فوری مسئولان در جهت بکارانداختن تصفیه‌خانه شیر، یکی از مشکلات بزرگ مردم محروم و زحمتکش زاهدان را حل میکند و بدین ترتیب هزینه دیگری خواهد بود برای امپریالیسم آمریکا و متحدینش، که تصور می‌کردند با محاصره اقتصادی ایران و اقزودن بر مشکلات مردم، می‌توانند انقلاب ایران را زانو درآورند.

مردم زاهدان مدت‌هاست که از فقدان آب آشامیدنی سالم و بهداشتی رنج می‌برند. آب زاهدان دارای املاح کوناگون است و برای آشامیدن مناسب نیست و تاکنون عده زیادی بیمار آسیر بیماری‌های مختلف شده‌اند.

در زمان رژیم سابق، ساختمان یک تصفیه‌خانه بزرگ، که به گفته بعضی از مسئولان بزرگترین نوع خود در خاورمیانه پیوسته است، شروع شد و در استانه انقلاب پرشکوه مردم ایران، به پایان رسید. پس از انقلاب، متخمسین متوجه شدند که به فیلترهای این تصفیه‌خانه، مخصوص املاح موجود در آب شهر نیستند و لذا باید تعویض شوند. ولی از آنجا که لوازم یدکی این تصفیه‌خانه که ساخت آمریکا است، در ایران موجود نبود، موفق به اینکار نمی‌شوند. با توجه به تحریم اقتصادی ایران از جانب

اجرای قانون...

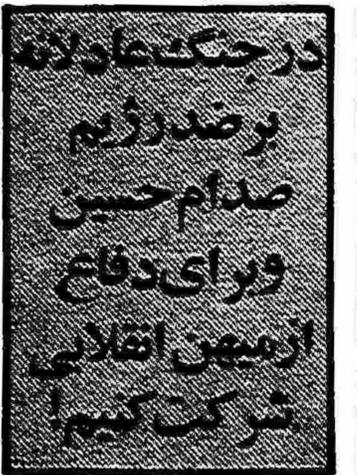
بقیه از صفحه ۵

تأیید می‌کند که: در وهله اول، آغاز حرکت انقلابی و هدف قانونی هیئت‌های هفت نفری باید اجرای قانون اصلاحات ارضی، به قصد ریشه‌کن کردن نام و تمام بزرگ مالکی باشد. زمینداران بزرگ اغلب اراضی تحت مالکیت خود را به طریق غصبی بدست آورده‌اند. لذا این اراضی حق مسلم دهقانان شهی دست و محروم است و باید حق به حقدار برسد. هیچ عضوی از اعضاء هیئت‌های هفت نفری نمی‌تواند خلاف قانون مصوبه رفتار کند و حق ندارد به چیزی جز حکم انقلاب بیاندیشد و در موضع دفاع از منافع زمینداران بزرگ قرارگیرد. هیئت‌های هفت نفری به هنگام اجرای قانون اصلاحات ارضی باید دقیقاً مواظب حيله‌ها و ترفندهای بزرگ مالکان باشند و این حيله‌ها را زیر نظر بگیرند. همچنین به هنگام واگذاری اراضی بزرگ مالکان، زمین‌ها را در درجه اول به کسانی واگذار کنند که واقعا مستحق آن هستند. خوشبختانه

اکثریت عظیم هیئت‌های ۷ نفری این چنین اند و به حق یک نهاد انقلابی بسیار مهم در زندگی کشور ما شمار می‌آیند و بحق از حمایت توده دهقانان و ازبشیتانی سپاه پاسداران و جهاد سازندگی برخوردار هستند.

عکس العمل هشیارانه و انقلابی ستاد زمین و هیئت‌های ۷ نفری مناطق مختلف در برابر اعمال فشارها و مشکلاتی که بزرگ مالکان ایجاد کردند، نمودار ماهیت عمیقاً خلقی و انقلابی آنان بود.

از سوی دیگر دهقانان کرمانشاه بحق از نفوذ بزرگ مالکان در سیج عشایری متأسف هستند. آب‌ان هم‌چگونه نمی‌توانند از یاد ببرند که هم‌مالکی‌های همین بزرگ مالکان بودند که در خوزستان به استقبال قوای تجاوزگر صدام رفتند. و همین بزرگ مالکان هستند که به اختکار سوخت و گازوشیل معولند. ضمناً اقدام مشت و دست جهاد سازندگی کرمانشاهان که بذخ و وام و تراکتور در اختیار کشاورزان فرار داده است،



باید تعمیم یابد. این سرفشقی است برای مسئولان امر که باید هم‌زمان با اجرای قانون اصلاحات ارضی، وسایل کار روستائیان را فراهم کند. در روستاهای کرمانشاهان که قانون عملی شده، حق به حقدار رسیده و هیئت هفت نفری به دهقانان زمین داده است. پایگاه انقلاب تحکیم یافته است و آینده مطمئن اعتلای کشاورزی تضمین شده است. در هم‌جا و هر چه زودتر باید به همین راه رفت.

استقلال...

بقیه از صفحه ۳

چنان‌که "هیچ بخشی از نیروهای خود را در تبع و در رابطه با خارج به نیروی تخریبی تبدیل نکند"، یعنی ارتش نداشته باشد، و هیچ بخشی از حاصل آن نیروها را از کشور خارج نماند، یعنی تجارت نکند. پس هیچ کشوری نمیتواند مستقل باشد و کسب استقلال کند. آقای بنی‌صدر، خود به دنبال ارائه تعریف خود از استقلال، مینویسد:

"با این تعریف از استقلال، طبیعی است که خواننده خواهد گفت پس در این جهان هیچ کشور مستقلی وجود ندارد، و جواب این است که: چنین است." و سپس از آن "استدلال" و این "تعریف" نتیجه ای می‌گیرد به شرح زیر:

"چون هیچ کشور مستقلی وجود ندارد، جامعه کاملاً آزاد، یعنی جامعه آزاد از مستکبر و مستضعف هم وجود ندارد. در این جهان جامعه‌ها همه طبقاتی هستند و شکل طبقات است که از این جامعه بدان جامعه تفاوت می‌کند، والا محتوای اجتماعی همه جامعه‌ها طبقاتی است."

بدین‌سان، آقای بنی‌صدر، با یک چرخش قلم، سوسیالیسم نظام واقعا موجود آزاد از مستکبر و مستضعف را حذف میکند و سپس ادامه میدهد:

"مشخصات سلطه‌گرها این است که جذب می‌کنند (جذب میکنند؟ یا زور می‌گویند و تحمیل میکنند؟)، از زیر سلطه‌ها مثل خون می‌مکند و مشخصات زیر سلطه‌ها این است که نیروها و استعدادها و ثروت‌ها و توان‌ها و منابع خویش را به سلطه‌ها میدهند. (داوطلبانه میدهند؟ یا از آنها می‌ربایند؟)".

آقای بنی‌صدر بازم ادامه میدهد:

"پس اگر ما ببینیم که هر رابطهای متضمن چنین دادوستدی است، ما می‌گوئیم رابطه رابطه سلطه است و دیگر فرق نمیکند که این رابطه ربا روسی برقرار کنیم یا با آمریکا. این‌ها (توده‌های) با یک دیدنادرستی از واقعیت و یک بیان تجملی تحت عنوان این که کشور روسیه چسبون سرمایه‌داری نیست، پس امپریالیست

نیست، پس سلطه‌گر هم نیست و بنابراین رابطه با او به معنای رابطه شخصی مستقل است، این یک فریب است و آنهایی که هم که از چنین بیانی دفاع می‌کنند، میخواهند مردم را بفریبند."

حالا متوجه شدید که آن "استدلال" عجیب و غریب و آن "تعریف" عجیب و غریبتر از عدم وابستگی و استقلال، برای رسیدن به کدام هدف است؟! اگر عدم وابستگی را غیر قابل دسترسی و استقلال را ناممکن بشماریم و هر رابطه‌ای را رابطه سلطه و زیر سلطه بدانیم، آنگاه ضمن "حذف" سوسیالیسم بعنوان جمله "تجملی"، می‌توانیم شوروی را نیز مانند آمریکا، سرمایه‌دار،

امپریالیست و سلطه‌گر معرفی کنیم، "سوءظن موجود" ناشی از تبلیغات چندین ده ساله امپریالیستی ضد شوروی را دامن زنی و بدین وسیله از برقراری رابطه حتمین جمهوری اسلامی ایران و اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و دیگر کشورهایی که با کشورهای سوسیالیستی مناسبات حسنه گسترده دارند، (تحت عنوان وابسته بودن آنها به شوروی) جلوگیری کنیم و به دنبال آن دیگر خود بخود راه قبول مجدد سلطه امپریالیسم هوار خواهد بود، زیرا نمی‌توان رابطه با جهان خارج برقرار نکرد، و چون هر رابطه‌ای، رابطه سلطه و زیر سلطه است، لذا باید کردن خم کرد و آن رابطه را بناچار مجددا پذیرفت. این، بمنظر آقای بنی‌صدر، فریب نیست!

شاید آقای بنی‌صدر اصولاً مخالف با برقراری هر رابطه‌ای با تمام کشور-های جهان است، زیرا به نظر ایشان رابطه‌ای جز رابطه سلطه و زیر سلطه وجود ندارد؟ ولی نه، آقای بنی‌صدر بارها گفته است: "در مورد ژاپن و اروپا باید بگویم که ابرقدرتها عرصه را بر آنها تنگ کرده‌اند. مابک زمینه مشترک با ژاپن داریم و آن این است که آنها نیز مانند ما زیر تهدید ابر-قدرت‌ها هستند. آنها به منابع انرژی ما احتیاج دارند و ما به تکنولوژی آنها". (اطلاعات، ۱۳ بهمن ۱۳۵۸).

خوب، اگر هر رابطه‌ای بنا به اعتقاد آقای بنی‌صدر رابطه سلطه و زیر سلطه است، پس پیشنهاد برقراری رابطه با ژاپن و اروپای غربی را چگونه توجیه می‌کنند؟ شاید ایشان

نمی‌دانند که این کشورها، کشورهای رشد یافته سرمایه‌داری تا مرحله امپریالیستی هستند؟ شاید نمی‌دانند که کشورهای اروپای غربی در همان پیمان آتلانتیک شمالی متحدان آمریکا هستند؟ شاید نمی‌دانند که سرمایه‌های انحصارگری که در این کشورها قدرت حاکمه را در دست دارند، سرمایه‌های "چند ملیتی" هستند که در آنها "سهام سیر" متعلق به انحصارهای آمریکایی است، و لذا این کشورهای اروپای غربی مجبورند در مسیر سیاست آمریکا حرکت کنند؟

مگر نمی‌دانند که این کشورها دست در دست آمریکا هم‌گونه فشار (از جمله تحریم اقتصادی) و هم‌گونه توطئه علیه جمهوری اسلامی ایران طرح و اجرا می‌کنند؟ مگر نمی‌دانند که اگر ما با اروپای غربی رابطه سلطه و زیر سلطه برقرار کنیم، دوباره به همان روز زمان شاه بی‌وطن می‌افتیم؟ مگر متوجه نیستند که در این صورت آمریکا نیز مجدداً از "بئرحه" اروپا به کشور ما "تشریف خواهد آورد"؟ کاملاً آشکار است که نظرات آقای بنی‌صدر درباره استقلال و عدم وابستگی، متأسفانه راه به سوی "تئوری" مائوئیستی "سه‌جهان" می‌برد. ولی قبل از این که به محتوی و هدف سیاسی این "تئوری" اشاره کنیم، بدنیست نقل قول دیگری از ایشان بیاوریم:

تئوری مائوئیستی "سه‌جهان"

خلاصه مضمون تئوری "سه‌جهان" چنین است: جهان به سه گروه از کشورها و به سه جهان تقسیم شده است: جهان اول مرکب از دوا بر قدرت است. جهان دوم ژاپن و اروپای غربی است. جهان سوم نیز بقیه جهان است. دو جهان دوم و سوم در معرض خطر سلطه‌جویی جهان اول است. پس جهان سوم و جهان دوم باید "جبهه مشترک علیه دوا بر قدرت بوجود آورند". از آن دو ابر قدرت (که ضمناً یا هم‌رقیبند) کدام خطرناک‌تر است؟ آنکه نزدیک‌تر است. پس دشمن درجه یک، دشمن اصلی، شوروی است، نه آمریکا. پس "جبهه مشترک" باید از دو جهان

دوم و سوم به اضافه ابر قدرت دورتر (آمریکا) علیه ابر قدرت نزدیک‌تر (شوروی) به وجود آید.

با این "تئوری" و سیاست‌ناشی از آن، و با دقیق‌تر بگوئیم، با این سیاست که برای آن "تئوری" ساخته شد، چنین مائوئیست‌سر از جیب آمریکا درآورد!

برای ساختن این "تئوری"، می‌بایستی سوسیالیسم "حذف" شود. مائوئیسم آنرا "حذف" کرد. می‌بایستی اروپای غربی و ژاپن در معرض تهدید ابر قدرت‌ها معرفی شوند. مائوئیسم آنها را چنین وانمود کرد. و چون اروپای غربی و ژاپن متحد آمریکا هستند، خطر عمده‌ای که آنها را تهدید میکند، خطر شوروی شد. بدینسان، چنین مائوئیستی، هم در عرصه سیاست و هم در عرصه تبلیغات همدست آمریکا شد. و در نتیجه، غیر از آبرو ریزی، در معرض انواع عواقب مخرب ناشی از این سیاست ضد-انقلابی و برتری جویانه واقع شد. عبرت‌انگیز نیست؟

"تئوری" مائوئیستی "سه‌جهان" ناگهان به وجود نیامد. این "تئوری" از تبلیغات امپریالیسم، سرکردگی آمریکا، مایه گرفت. پس از آنکه بعد از جنگ دوم جهانی، به عنوان دولتی استعمارگر و "ژاندارم بین‌المللی" شناخته شد، در صدد "تقسیم بی‌آبرویی" خود برآمد. در تبلیغات امپریالیستی اصطلاح "دوا بر قدرت" بکار گرفته شد، تا بوسیله این شرکد تبلیغاتی، شوروی نیز چیزی مانند آمریکا معرفی شود. مائوئیسم این شرکد تبلیغاتی را به سطح "تئوری" "ارتقاء" داد و نام شوروی را "سوسیال امپریالیسم" گذارد. دیگر کشورهای سوسیالیستی نیز "اقمار شوروی" و "دست‌نشانده شوروی" و "در معرض غارت شوروی" معرفی شدند. بدینسان، مائوئیسم در خدمتگزاری "ما امپریالیسم" به سرکردگی آمریکا، سوسیالیسم را "تابود" کرد. "تئوری سه‌جهان" مائوئیستی، تکامل شرکد تبلیغاتی امپریالیسم است، که در عرصه سیاست، چنین مائوئیستی را عملاً به صورت متحد آمریکای جنایتکار برای سلطه‌گری بر دیگر کشورها و خلق‌ها درآورد. عبرت‌انگیز نیست؟

ولی واقعیت این است که سوسیالیسم وجود دارد و هیچ تبلیغات و هیچ "تئوری" کاذبی نمی‌تواند آنرا "حذف" کند. واقعیت این است که اتحاد شوروی به عنوان یک کشور بزرگ سوسیالیستی رشد

یافته، با جامعه‌های رها از استثمار و طبقات مستکبر و مستضعف، کشوری ضد امپریالیستی، ضد استثمار، ضد نطفه‌گری، جامی همه کشورها و همه خلق‌های که برای کسب و تامین استقلال در مبارزه با امپریالیسم سلطه‌گر برخاسته‌اند، وجود دارد.

واقعیت این است که جهان به "سه‌جهان" تقسیم نشده، بلکه جبهه عظیم نبرد دوران ساز و تاریخ سازی در آن برقرار شده که، یکسوی این جبهه امپریالیسم، سرکردگی آمریکا و همه دولتهای دست‌نشانده آن قرار گرفته‌اند و در سوی دیگر این جبهه، کشورهای سوسیالیستی، جنبش کارگری جهانی، همه کشورهای مستقلی که با امپریالیسم درگیرند و همه جنبشهای آزادیبخشی که بخاطر استقلال خود می‌رزند. این سه نیرو که در این سوی جبهه قرار گرفته‌اند، متحد طبیعی یکدیگرند و هرگونه تفرقه میان آنها، سود امپریالیسم جهان‌خوار است.

واقعیت این است که استقلال چیزی نیست جز عدم وابستگی. وابستگی یعنی موقعیتی که در آن کشور و خلقی، به زیان مصالح خویش در معرض تحمیل اراده اسارتگرانه و جیاولکرانه کشور دیگری قرار گرفته باشد. آنگاه که کشور و خلقی بتواند فارغ از هرگونه نفوذ و فشار و تحمیل اراده غرض آلود خارجی، در جهت تامین مصالح خلق و کشور و سود رشد و ترقی خود تصمیم بگیرد و مناسبات خود را در این جهت با دیگر کشورها بر مبنای احترام بی‌خداشه متقابل به استقلال و حق حاکمیت، عدم مداخله متقابل در امور داخلی، برابری کامل حقوق و نفع متقابل عادلانه برقرار کند، آن کشور دیگر وابسته نیست، مستقل است.

و سخن ما این است که: رابطه جمهوری اسلامی ایران، با هر کشور خارجی، هر کشوری بدون استثنا، اعم از کشورهای سرمایه‌داری و سوسیالیستی، باید بر مبنای اصول فوق برقرار گردد. و ما معتقد و مطمئن هستیم که بایک چنین موضع گیری، خود بخود و ضمن تجربه و عمل، دیوار پیش‌دواری‌ها شکسته خواهد شد، مناسبات جمهوری اسلامی ایران با کشورهای حامی انقلاب ضد امپریالیستی و خلقی ایران برقرار خواهد گردید. راه تحمیل اراده اسارتگرانه و غارتگرانه کشورهای امپریالیستی بسته خواهد شد، عدم وابستگی و استقلال جمهوری اسلامی ایران حفظ، تثبیت و تحکیم خواهد گردید.

نیروهای شرکت کننده در «سواپو»

در دهه ۵۰، با زرقش شدن ستم ملی و طبقاتی و چهره‌نمایی خشونت‌خوین موجود در سرشت نظام نژادپرستانه حاکم، محمل‌های مینی اتحاد نیروهای پایداری در برابر رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی ایجاد گردید. بر بنیان چنین اتحاد رزمنده‌ای بود که «سازمان خلق آفریقای جنوب غربی»، (سواپو) برای پیشبرد امر مشترک نیروهای گوناگون بیکارگر، بخاطر درهم شکستن نظام ناعادلانه تحمیلی از سوی اشغالگران آفریقای جنوبی و کسب استقلال و آزادی بنیان نهاده شد. نیروهای شرکت کننده در این سازمان، که تنها نماینده قانونی خلق نامی‌بیا است، عبارتند از:

الف - عناصر آگاه و مبارز طبقه کارگر: بیکره اصلی جنبش آزادی‌بخش ملی نامی‌بیا را عناصر آگاه و مبارز طبقه کارگر نامی‌بیا تشکیل می‌دهد. کارگران، بویژه کارگران فصلی، که همواره تحت بیرحمانه‌ترین اشکال استثمار و خشونت پلیسی رژیم نژادپرست آفریقای جنوبی قرار داشته‌اند، در پیامد تلاش‌های نافرجام هرباره‌اشان برای تشکیل کانونهای صنفی و در مبارزه بخاطر بهبود شرایط کار، با بهجا گذاردن صدها کشته و زخمی و زندانی، بیش از پیش به ضرورت تشکل و ایجاد سازمانی مدافع زحمتکشان، آگاهی یافته بودند و آمادگی بسزایی در بنیانگذاری و تحکیم سازمان «سواپو» از خود نشان دادند، تا جایی که امروز در صنف نخست مبارزه آزادی‌سازی سرزمینشان از وجود اشغالگران قرار دارند.

ب - رهبران استقلال طلب سنتی: رهبران انقلابی و باسپاسی مانند داوید ویثوتی (رهبر قبیله ناما) و روزبه اوکوتاگو (رهبر قبیله هررو) که سالیان دراز رابطه نمر بخشی یا جنبش انقلابی خلق نامی‌بیا داشتند و با بسیج و سازماندهی

پیکار خلق نامی‌بیا برهبری «سواپو» (۲)



خلق نامی‌بیا، برهبری «سواپو»، مسلحانه برای استقلال و آزادی خود می‌جنگد

طبقاتی خلقی داشتند و طمع تلخ تبعیض نژادی را با گوشت و پوست خود لمس کرده بودند، نقش بزرگی در روشنگری افکار مردم نامی‌بیا ایفا کردند. یکی از برجسته‌ترین روحانیون انقلابی نامی‌بیا، که در راه استقلال و آزادی و عدالت اجتماعی می‌رزید، اسقف لئونارد اوتوالد است.

اهداف «سواپو» در پیکار با نژادپرستان آفریقای جنوبی

از آنجا که خلق نامی‌بیا همچنان تحت اشغال نژادپرستان آفریقای جنوبی بسر می‌برد و هنوز از حق تعیین سرنوشت خویش برخوردار

نیکی مردم موفق شده بودند، مزدوران آفریقای جنوبی را به مناطق سترن برانند.

ب - روشنفکران مترقی: اقتدار تصیل کرده و روشن بین، که از بیوغ استثمار، استثمار و ستم ملی رنج می‌بردند و خواستار برقراری نظام اجتماعی - اقتصادی عادلانه بسودتوده‌های خلق بودند.

ت - روحانیون مترقی کلیسا: با آنکه میلیون مذهبی از نخستین کسانی بودند که با به خاک نامی‌بیا گذارند، ولی دهها سال زمان لازم بود تا مسیحیت بعنوان مذهب رسمی شناخته شود. در دهه پنجاه، کنیسه‌های سیام پوست، به گونه‌ای خودمختاری در تبلیغ دست یافتند. این کنیسه‌ها، که عموماً پایگاه

نیست، و رژیم اشغالگر، با اعمال سیاست سرکوب، استقلال و آزادی را از مردم این سرزمین دریغ میدارند. اهداف اساسی «سواپو»، بنابه مصوبات مندرج در اساسنامه «سواپو»، که در گردهمایی کمیته مرکزی (در ۲۸ ژوئیه ۱۹۶۸ - لوزاکا) به تصویب رسید، بشرح زیر اعلام گردید:

- ۱- نبرد برامان برای آزادی فوری و کامل نامی‌بیا از اشغال امپریالیستی و استعماری؛
 - ۲- متحد کردن تمامی خلق نامی‌بیا، قطع نظرات خلق نژادی، مذهبی، جنسی یا منشاء قومی؛
 - ۳- پرورش روح آگاهی ملی، یا احساس یکپارگی هدف و سرنوشت مشترک در میان خلق نامی‌بیا؛
 - ۴- مبارزه علیه هر نوع گرایش ارتجاعی: فردگرای، قبیله‌گرای، نژادپرستی؛
 - ۵- همکاری گسترده با تمام جنبشهای آزادیبخش ملی اصل، حکومت‌های مترقی و سازمانها و شخصیت‌ها در سطح جهانی، در راستای حذف کامل نظام استعماری امپریالیسم؛
 - ۶- برقراری یک حکومت غیرمذهبی و دمکراتیک در نامی‌بیا، براساس اراده و شرکت تمام خلق نامی‌بیا؛
 - ۷- تصمین حاکمیت خلق از طریق اعمال نظرات مولر بر وسایل تولید و توزیع، و تعقیب چنان سیاستی که راه را برای مالکیت اجتماعی بر تمام منابع کشور هموار سازد؛
 - ۸- کوشش برای ایجاد جامعه‌ای بر طبقه و یگانگی از استثمار و سرکوب؛
 - ۹- تصمین همکاری حکومت خلق نامی‌بیا مستقل یا دیگر کشورهای آفریقایی، در جهت بوجود آوردن یک وحدت آفریقایی؛
 - ۱۰- تصمین همکاری نزدیک حکومت با تمام دولت‌های صلح‌دوست، در جهت تأمین صلح و امنیت جهان.
- ادامه دارد

بهبود نبوی...

بقیه از صفحه ۱

و «گروگانها» در آستانه آزادی هستند. مهندس نبوی وعده داد که پس از آزادی «گروگانها» تمام صورتجلسات و یادداشت‌های مربوط به مذاکرات پیرامون «گروگانها» در اختیار رسانه‌های گروهی و مردم قهرمان ایران قرار خواهد گرفت. وی تأکید کرد که آزادی «گروگانها» پیروزی جدیدی برای انقلاب ایران است، زیرا در شرایطی صورت می‌گیرد که آمریکا حاضر به آزادی آنها نبود.

سخنگوی دولت در پاسخ خبرنگاری که درباره روابط آینده ایران و آمریکا پرسید گفت: «بازها گفته‌ام روابط ما با آمریکا بر مبنای اشغال جاسوس‌خانه و گروگانگیری تیره‌نشدنی که با آزادی گروگانها بهبود پیدا کند. روابط ما با آمریکا بر اساس پیروزی انقلاب اسلامی ایران تیره شده آمریکا نمی‌تواند وجود دولت جمهوری اسلامی ما را تحمل کند، و به تمام وسایل متوسل میشود تا علیه انقلاب ما توطئه کند. مسئله برای آمریکا گروگانها نبوده، دشمنی او یا ما بخاطر پیروزی انقلاب اسلامی ایران، به خاطر از دست دادن ۶ میلیون بشکه نفت در روز، و بخاطر از دست دادن بازار چندین میلیارد دلاری در سال بوده و هست. و بعد از پایان این مسئله هم ما هیچ رابطه سیاسی و اقتصادی با دولت جهانخواهر آمریکا نخواهیم داشت.»

مهندس نبوی تأکید کرد که سرمایه‌داران آمریکایی بخاطر یک دلار حاضرند نه تنها پنجاه و دو نفر بلکه پنجاه و دو میلیون نفر را هم نابود کنند.

در ادامه تجاوز به خاک لبنان هواپیماهای اسرائیلی با دفاع قاطع مردم لبنان و فلسطینیها روبرو شدند

به گزارش خیرگزاری فلسطینی وفا، نیروهای رژیم صهیونیستی تل‌آویو و جدائیلین جنوب لبنان، باردیگر شهر نبطیه و مناطق اطراف آن را زیر آتش گرفتند. همچنین هواپیماهای اسرائیلی بر فراز شهرهای جنوب لبنان به پرواز درآمدند، اما بر اثر آتش دفاع ضد هوایی فلسطینی‌ها و نیروهای میهن‌دوست لبنانی، رادار به فرار شدند. مردم جنوب لبنان در کنار مبارزان فلسطینی، دلیرانه در مقابل تجاوزات مکرر امپریالیسم آمریکا و صهیونیسم دست‌نشانده آن ایستادگی می‌کنند و اجازه نمی‌دهند که اهداف شوم رژیم صهیونیستی اسرائیل در نابودی فلسطینی‌ها و اشغال سرزمینهای جدید تحقق یابد.

مانور نظامی آمریکا و رژیم کره جنوبی امپریالیسم آمریکا در کره هم چنگت و دندان نشان می‌دهد!

سفیر جمهوری دمکراتیک خلق کره در مسکو، گفت: «مانور مشترک نظامی آمریکا و نظامیان رژیم دست‌نشانده کره جنوبی اوضاع منطقه را وخیم‌تر می‌سازد.»

«این اقدام تحریک‌آمیز، تهدیدی علیه صلح و امنیت منطقه است.»

قرار است، این مانورها از اول فوریه آغاز شود. این اقدام تحریک‌آمیز علیه خلقهای منطقه، که از هم‌اکنون موجب ایجاد نگرانی جدی در میان محافل صلح‌دوست منطقه شده است، نیت تجاوزکارانه امپریالیسم آمریکا را بوضوح هرچه بیشتری نشان می‌دهد.

پس از گذشت ۲۵ سال از جنگ جهانی: سیاست نظامیگرانه روزافزون امپریالیسم ژاپن در جزیره اوکیناوا دنبال می‌شود

دانشمندان و شخصیت‌های برجسته جزیره اوکیناوا، از گرایش‌های نظامیگرانه روزافزون هیئت حاکمه ژاپن شدیداً ابراز نگرانی می‌کنند. این دانشمندان در نامه سرکشاده‌ای به ژوتکو سوزوکی، نخست‌وزیر ژاپن، تأکید کردند: «در حالی که ۲۵ سال از خاتمه جنگ می‌گذرد، اوکیناوا، هنوز در شرایط جنگی بسر می‌برد و حکومت نظامی در سراسر جزیره، برقرار است.»

در نامه همچنین تأکید شده: «با اینکه هزاران تن از مردم اوکیناوا در جریان جنگ، کشته شده‌اند، این جزیره همچنان مهمترین پایگاه آمریکا در منطقه است.»



با انتشار یک کتاب تاریخی از سوی دانشمندان کشورهای سوسیالیستی:

سیاست برتری طلبانه و ماجراجویانه رهبران پکن بیش از پیش افشا میشود

اخیراً کتابی با نام «تاریخ کوتاه جمهوری خلق چین» توسط دانشمندان از کشورهای مجارستان، آلمان دمکراتیک، کوبا، متولستان، لبنان، اتحاد شوروی و چکسلواکی ... منتشر شده است. در این کتاب از جمله آمده است: «جان‌نیشان کتونی مائوتسه‌دون، مانند گذشته، سیاست خارجی خود را بر نظریه اجتناب‌ناپذیر بودن جنگ جهانی سوم و خرابکاری در روند تسخیر زدنای و نیز یگیری مسیر ضدسوسیالیستی استوار کرده‌اند»

در کتاب تأکید شده است: «پکن نزدیکی با کشورهای امپریالیستی و نیروهای ارتجاعی را سرعت می‌بخشد و با آنها علیه سوسیالیسم جهانی و جنبش کمونیستی و جنبشهای رها تیخ ملی همکاری تگاتگ دارد. رهبران پکن تلاش دارند که آمریکا و ناتو را به جنگ «سرد» یا «داغ» با اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بکشاند و یک نظام بین‌المللی معاهدات و موافقت‌نامه‌ها که علیه جامعه سوسیالیستی متوجه باشد، تحت شعار «جبهه متحدین بین‌المللی» تشکیل دهند. تجاوز چین علیه جمهوری سوسیالیستی ویتنام، مثال روشن این سیاست است.»

نویسندگان کتاب همچنین متذکر می‌شوند که: «سیاست رهبری مائوتیستی چین در مورد تپانی همه‌جانبه با امپریالیسم و استوار کردن سیاست‌های خود بر پایه نزدیکی با امپریالیسم و سرمایه‌داری بین‌المللی، اجرای به اصطلاح «برنامه مدرنیسم» و نیز تبدیل چین به یک قدرت بزرگ نظامی، نمایانگر خط انحطاط روزافزون نظام اجتماعی چین و نادیده گرفتن کامل دستاوردهای سوسیالیستی خلق چین است.»

این دانشمندان همچنین، ضمن اشاره به اوضاع اجتماعی - اقتصادی در چین، تأکید می‌کنند که: «رژیم نظامی - بوروکراتیک در پکن از مشی تجاوزکارانه و عظمت‌طلبانه پیروی می‌کند و تولید اجتماعی را در خدمت مقاصد خود برای تبدیل چین به یک کشور نظامی درآورده است. بنابراین تصاد میان منافع حیاتی زحمتکشان چین و رژیم نظامی ضدسوسیالیستی هرچه بیشتر وخیم می‌شود.»

نویسندگان این کتاب عقیده دارند که در چشم‌انداز تاریخی، این تضاد بنفع خلق چین و توسعه سوسیالیستی چین حل می‌شود.

نامه مردم ارگان مرکزی حزب توده ایران

دارنده امتیاز و مدیر مسئول: منوچهر بهزادی خیابان ۱۶ آذر شماره ۶۸ (دفتر نامه مردم) هنوز در اختیار نامه مردم نیست

NAMEH MARDOM No. 424 20 January 1981

Price:

West-Germany	0.80	DM
France	2	Fr.
Austria	8	Sch.
England	20	P.
Belgium	10	Fr.
Italy	350	L.
U.S.A.	40	Cts
Sweden	1.50	Skr.

خوانندگان گرامی نامه «مردم» و همه مقامات دولتی و غیر دولتی میتوانند به آدرس زیر یا نامه «مردم» مکاتبه کنند:

صندوق پستی ۱۴/۲۵۵۱، منطقه پستی تهران